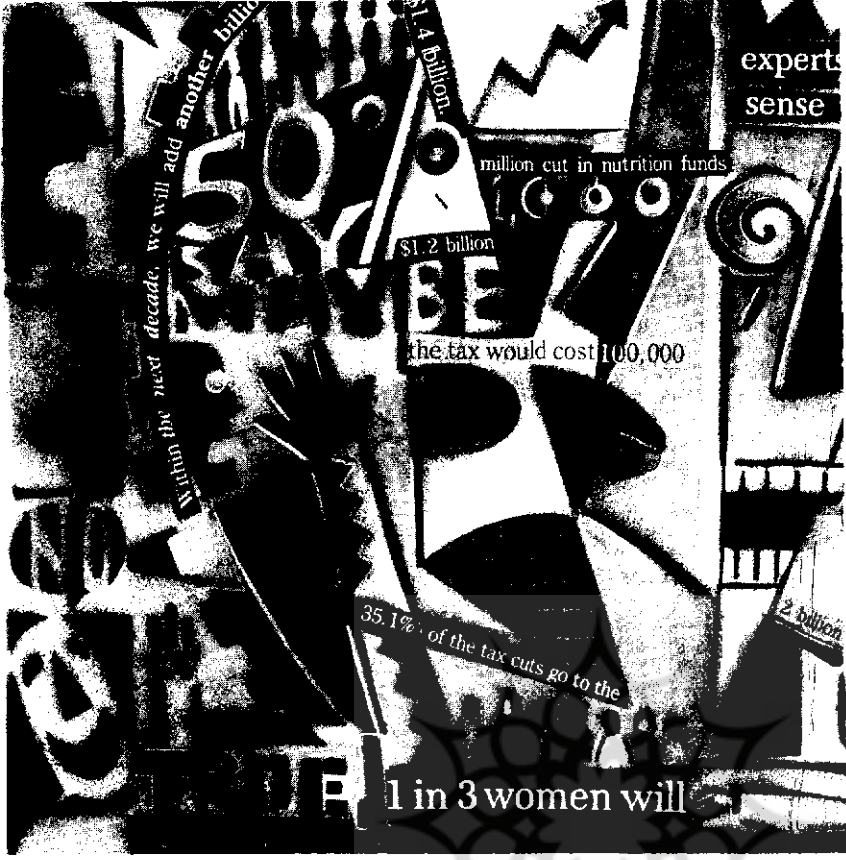




# تحلیل گفتمان خبر

تئون ای - ون دیک  
ترجمه حسن نورائی بیدخت



## ■ تحلیل گفتمان براین واقعیت آشکار تاکید دارد که پیامهای رسانه‌ای نمونه‌هایی خاص از متن و گفتار هستند.

اگر چه اکنون کم‌وبیش، رویکرد گفتمانی در مطالعه رسانه‌های همگانی به عنوان جایگزین یا متممی برای تحلیلهای کلاسیک محتوا (کریپندورف: ۱۹۸۰) مورد قبول واقع شده است، ولی تعداد مطالعات طبقه‌بندی شده گفتمان پیامهای رسانه‌های همگانی، هنوز هم محدود است. کاربرد تحلیلهای گفتمان در مطالعات رسانه‌ها به اندازه زمینه‌های مطالعات گفتمان و خود وسایل ارتباط جمعی متنوع است. کارهای بسیاری با گرایشهای زبان شناختی صورت گرفته است که به طور مثال می‌توان به آثار مشروحه زیر اشاره کرد: مطالعات سبک شناسانه اولیه «لیچ» (۱۹۶۶) و «کریستال» و «دیوی» (۱۹۶۹)، «فولر» (۱۹۹۱)، و رویکرد زبان‌شناختی انتقادی اخیر «فولر» و دیگران (۱۹۷۹)، فولر (۱۹۹۱)، «کرس» (۱۹۸۵)، و «چیتون» (۱۹۸۵، ۱۹۸۸). بخش اعظم این کارها و نیز کارهایی که این اواخر درباره نشانه‌شناسی (هاج و کرس، ۱۹۸۸) انجام گرفته است، تحت‌تاثیر گرامر طبقه‌بندی شده هالیدی («هالیدی»، ۱۹۷۸،

۱۹۸۵) قرار داشته‌اند. کارهای انتقادی انجام گرفته توسط گروه رسانه‌ای دانشگاه گلاسگو (۱۹۷۶، ۱۹۸۰) در خصوص مطرح شدن منازعات صنعتی در رسانه‌ها، آثار «دیویس»، و «التون» (۱۹۸۳) و رویکرد مطالعاتی فرهنگی «مرکز مطالعات فرهنگی معاصر» («هال» و دیگران، ۱۹۸۰) در زمینه ارتباطات جمعی، شناخته شده‌تر از دیگران می‌باشد. این رویکردها در عین حال که به بحث و بررسی پیرامون زبان، مقال و تصویر نیز می‌پردازند، بخشی از زبان‌شناسی به حساب نمی‌آیند بلکه توجه خاصی به ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک پیامهای رسانه‌ای مبذول می‌دارند. به‌رغم تنوع تئوریک و ایدئولوژیک این رویکردها و دیگر رویکردهای جاری، ما انسجام و یکپارچگی فزاینده رویکردهای زبان‌شناختی، نشانه‌شناختی و تحلیل گفتمان را شاهد می‌باشیم (ون دیک، ۱۹۸۵ - الف، «هارتلی»، ۱۹۸۲). شگفت اینجاست که اکثر این کارها در انگلستان (و اکنون در استرالیا) انجام گرفته

اشاره  
تحلیل گفتمان، بر این واقعیت آشکار - اما نه کاملاً درک شده - تأکید دارد که پیامهای رسانه‌ای نمونه‌هایی خاص از متن (نوشتار) و گفتار هستند. نظریه‌ها و شیوه‌های مربوط به زمینه جدید بین رشته‌ای تحلیل گفتمان، می‌تواند گزارش طبقه‌بندی شده و روش‌ها از ساختار پیامهای رسانه‌ای ارائه دهد. تحلیل گفتمان از آنجا که یک امر چند رشته‌ای است، توان آن را نیز دارد که ارزیابی ساختاری را به ویژگیهای متعدد گستره اجتماعی - فرهنگی و ادراکی مرتبط سازد.

تحلیل گفتمان به عنوان یک زمینه مطالعاتی میان رشته‌ای جدید در فاصله اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شمر، بیان، ادبیات، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعه طبقه‌بندی شده ساختار، کارکرد و پردازش متن یا گفتار پدیدار شد. به منظور محدود ساختن بحث استیلائی گسترده تحقیقات و مطالعات تحلیل گفتمان پیرامون رسانه‌ها، در اینجا توجه خود را بر مطالعه اخبار در مطبوعات متمرکز خواهیم ساخت. جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه مطالعه موارد مختلف یک گزارش مطبوعاتی، رجوع شود به «ون دیک» (۱۹۸۵ - ب؛ ۱۹۸۸ - الف؛ ۱۹۸۸ - ب).

است. تا همین اواخر، کارهای زبان‌شناختی یا تحلیلی - گفتمانی چندانی در خصوص رسانه‌ها در ایالات متحده آمریکا صورت نگرفته بود. گفتنی است که بخش اعظم کارهایی که در زمینه مطالعات رسانه‌ها تاکنون در آمریکا انجام شده است، یا جنبه حکایتی داشته و یا روی مسائل سیاسی - اجتماعی متمرکز بوده است (رجوع به گیز، ۱۹۸۷).

همین نظر در مورد فرانسه نیز صدق می‌کند هرچند که مطالعاتی نشانه‌شناختی در باب انواعی از مقوله‌های رسانه‌ای در این کشور صورت پذیرفته است («بارت» ۱۹۷۳). تحقیقات در آلمان عموماً ملهم از رویکردهای مختلف در زبان‌شناسی متن (لوگر، ۱۹۸۳؛ استراسر ۱۹۷۵؛ ۱۹۸۲) و تحولات اخیر آن - فراسوی مرزهای آن با رشته‌های دیگری چون نشانه‌شناختی و روان‌شناسی (بنتیل، ۱۹۸۱؛ اشمیتس ۱۹۹۰) بوده است. در اتریش، مطالعات انتقادی در زمینه رسانه‌ها از یک چشم انداز میان رشته‌ای تحلیلی توسط خانم «روث ووداک» و همکارانش انجام شده است. (رجوع شود به مطالعات وی در گفتمان یهود ستیزی و نیز آثار مطبوعاتی وی در باب انتخاب والد‌هایم: ووداک و دیگران، ۱۹۹۰).

## تحلیل متن اخبار در مطبوعات

مطالعه اخبار مطبوعات یکی از وظایف عمده مطالعات تحلیل گفتمان در زمینه رسانه‌هاست. در واقع، به طوری که از بررسی کارهای نامبرده بالا برمی‌آید، صرف نظر از آگهیها و پیامهای بازرگانی، احتمالاً هیچ رسانه‌ای آن‌طور که باید و شاید مورد توجه تحلیل‌گران زبانی، زبان‌شناسان، نشانه‌شناسان و پژوهشگران ارتباطات جمعی قرار نگرفته است. این توجه هنگامی قابل توجیه است که ما به میزان اهمیت گزارشهای خبری در زندگی روزمره خود پی ببریم. بخش اعظم دانش سیاسی و اجتماعی و باورهای پیرامون جهان از دهها گزارش و اخباری نشأت می‌گیرد که همه روزه می‌خوانیم یا می‌بینیم. غیر از گفت‌وگوهای روزمره، احتمالاً هیچ عمل استدلالی دیگری که به دفعات فراوان و توسط مردمان بسیار به صورت اخبار در مطبوعات یا تلویزیون مطرح شود، وجود ندارد. بنابراین بیایید ساختارهای این ژانر (Genre) را به صورتی مبسوط تر مورد بحث و بررسی قرار دهیم.



در اینجا به اختصار اشاره می‌کنم که کدام ساختارهای خبری دارای مفاهیم اجتماعی، سیاسی، یا ایدئولوژیک هستند که می‌توانیم در تحلیل انتقادی‌تری از اخبار، آنها را مورد توجه قرار دهیم.

یکی از ویژگیهای تحلیل گفتمان این است که در توصیف متن (نوشتار) و گفتار از نظریه‌های ایجاد شده برای سطوح یا ابعاد متعدد گفتمان استفاده می‌کند. از این‌رو، در حالی که نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی کلاسیک یک تمایز کلی میان فرم (دال) و معنی (مدلول) ایجاد کرد، تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که متن (نوشتار) و گفتار به مراتب پیچیده‌تر بوده و نیازمند ساختارهای جداگانه و در عین حال دارای ارتباط متقابل آوایی، خطی، واجی، سازه‌ای، نحوی، معنی‌شناسی خرد و کلان، سبک‌شناسی، روساختاری، بیانی، عملی، محاوره‌ای، تعاملی و ساختارها و استراتژی‌های دیگر می‌باشند. هریک از این سطوح ساختارهای ویژه خود را دارد که ممکن

است در سطوح دیگر - چه در داخل و چه در خارج از مرزهای سنتی زبان‌شناختی جمله - و نیز در زمینه گسترده‌تر کاربرد و ارتباط، تفسیر شده و یا کاربرد داشته باشد.

باید به خاطر داشت که چنین تحلیلی پیچیده‌ای از گفتمان به تحلیل «متنی» محدود نمی‌باشد. بلکه از یک طرف روابط بین متن (نوشتار) و گفتار و از طرف دیگر «بافت‌های» تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ادراکی آنها را نیز در برمی‌گیرد. همچنین روندهای تولید و اراک متنی، اثرات متقابل اهل زبان بریکدیگر، و کاربردهای فرهنگی یا اجتماعی گفتمان، اهداف عمده تحقیق در یک چنین رویکرد فرارشته‌ای به حساب می‌آیند. اما در این تحلیل از یک گزارش خبری، من توجه خود را روی ساختارهای متنی متمرکز خواهم ساخت.

### مثال:

به عنوان نمونه‌ای از این تحلیل، یک گزارش خبری را برگزیده‌ام که در شماره مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۹ روزنامه انگلیسی «دیلی‌میل» به چاپ رسیده است. گزارش مزبور به آخرین بخش از یک ماجرای غم‌انگیز مربوط می‌شود که اعضای حزب محافظه‌کار و در نتیجه جناح راست انگلیس را مدتی مسدود خشمگین ساخت. ماجرا از این قرار بود که «ویراج مندیس» یک فراری سریلانکایی در یکی از کلیساهای منچستر تقاضای پناهندگی کرده بود. «مندیس» پس از بالغ‌بر دو سال که در پناه کلیسای مزبور زندگی کرده بود، سرانجام طی یک تهاجم گسترده پلیس به آن کلیسا، دستگیر شد. این اقدام پلیس نه تنها اعتراض مقامات کلیسا، بلکه اعتراض بسیاری از گروههای ضدنژادپرستی و سایر گروههای مدافع حقوق مهاجران و پناهندگان را برانگیخت. پس از آن که آخرین استیناف مؤثر واقع نشد، «مندیس» را با یک هواپیما به سریلانکا بازگرداندند و این قسمت از رویداد است که گزارش ما بدان مربوط می‌شود.

این خبر بخشی از پیکره گزارشهای خبری، مقالات پس‌زمینه‌ای، و سرمقالات منتشر شده در مطبوعات پیرامون مسائل قومی است که من آنها را به عنوان بخشی از یک پروژه مربوط به نژادپرستی در مطبوعات مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ام (ون‌دیک، ۱۹۹۱). این پروژه رسانه‌ای خود بخشی از یک برنامه پژوهشی بزرگتر درباره باز آفرینی نژادپرستی در

مقوله خبر است که نه تنها گفتمان رسانه‌ها بلکه کتب و مکالمات و گفت‌وگوهای روزمره را نیز شامل می‌شود. (ون دیک، ۱۹۸۷ الف؛ ۱۹۸۷ ب).

به طوری که از تحلیل این گزارش خبری ویژه برخوردار آمد، مطبوعات غربی، به ویژه مطبوعات دست راستی، تصویری منفی از اقلیتها، مهاجرها و پناهنده‌ها را ارائه و مورد تأکید قرار می‌دهند و در نتیجه موجبات اعمال سختگیری و تبعیض علیه مردم جهان سوم در اروپا و آمریکای شمالی را فراهم می‌آورند.

### معنی‌شناسی متن

#### یکپارچگی جزئی و کلی

هم تحلیل‌گران گفتمان و هم کاربران عادی زبان، بیشتر به معنی و مفهوم کلام علاقمند هستند: این متن به چه چیزی مربوط می‌شود، از چه سخن می‌راند، چه معنایی دارد و مفاهیم آن برای اهل زبان چه می‌باشد؟ بخشی از پاسخ مربوط به این قبیل پرسشها در معنی‌شناسی متن داده می‌شود که مقررات و ضوابط تفسیر واژه‌ها، جملات، بندها و یا کل گفتمان را تنظیم می‌کند. یک ایده معنایی مهم که در توصیف معنی به کار می‌رود ایده گزاره است که ممکن است تقریباً به منزله ساختار معنای ادراکی یک عبارت تعریف شود (ون دیک ۱۹۹۷).

یکی از مهمترین ایده‌های بررسی شده در معنی‌شناسی متن، همانا ایده یکپارچگی یا انسجام موضوعی متن است: موضوعات مطرح شده در متن به چه نحوی با یکدیگر مرتبط می‌باشند؟ یکی از شرایط عمده انسجام و یکپارچگی موضوعی متن این است که موضوعات آنها به حقایق و واقعیاتی اشاره داشته باشد که، به طور مثال، به کمک رابطهای زمان، موقعیت، انگیزه و توالی به هم مربوط باشند. در گزارش «دیلی میل» می‌بینیم که نخستین جمله پاراگراف اول آن دارای دو گزاره است: «مندیس به سرلانکا پرواز می‌کند» و «برای آزادی وی تلاش شده». که هر دو از لحاظ زمانی («بعداز») و (به طور غیرمستقیم) برحسب اتفاق به هم مرتبط هستند (او از کشور اخراج شد زیرا تلاش برای آزادسازی وی ناموفق بود). به خاطر داشته باشید که دو عبارت در این گزاره‌ها به یک شخص واحد یعنی «ویراج مندیس» اشاره دارد که در دو واقعه مرتبط به هم مشارکت دارد.

گزاره‌های این جملات نیز از لحاظ ادراکی با هم ربط دارند («پرواز» و «فرودگاه»، «غیرقانونی» و «آزادی»). در واقع، به طوری که ذیلاً مشاهده خواهیم کرد، این مفاهیم بخشی از به اصطلاح اصل خبر مسافرت‌هوایی و بازداشت را تشکیل می‌دهند. معلومات اجتماعی مشترک ما درباره این اخبار «حلقه‌های گمشده» متعدد بین مفاهیم و موضوعات متن این قبیل اخبار را در اختیار ما قرار می‌دهد. به طوری که می‌توان گفت این متن به منزله کوه یخی است که عملاً فقط نوک یا قله عنوان شده است و فرض براین است که خواننده، سایر اطلاعات مربوط به آن را می‌داند. این وابستگی به باورها و دانش یا معلومات کلی همچنین ممکن است از لحاظ ذهنی و ایدئولوژیک، انسجام و یکپارچگی به وجود آورد: آنچه که برای روزنامه‌نگار امری منسجم و مرتبط است، ممکن است برای تمامی خوانندگان مرتبط نباشد.

علاوه براین نوع ارتباط موضعی ارجاعی،

موجود بین جملات متعاقب، متن از یک وحدت معنایی کلی نیز برخوردار می‌باشد. این ارتباط کلی توسط آنچه که همه ما اصولاً آن را به صورت موضوع یا عنوان می‌شناسیم، توصیف می‌شود. عنوان (تیتر) از جنبه مفهومی، خلاصه‌ای از متن را ارائه می‌دهد و مهمترین اطلاعات موجود در آن را مشخص می‌سازد. از لحاظ تئوریک، این قبیل عنوانها را می‌توان به صورت کلان گزاره‌های معنایی توصیف کرد. یعنی، به صورت گزاره‌هایی که از توالی گزاره‌ها در متن نشأت می‌گیرند: به طور مثال، توسط کلان ضابطه‌هایی چون گزینش، انتزاع، و دیگر کاربردهایی که اطلاعات پیچیده را کاهش می‌دهند. عناوین اصلی یا کلان گزاره‌ها، ساختار موضوعی یا اصلی متن را تشکیل می‌دهند. اهل زبان این کلان ساختارها را مورد استفاده قرار می‌دهند تا متن را به طور کلی درک کرده و خلاصه‌ای از آن به دست آورند. در گفتمان خبر، این ساختارهای کلان زبانی به طور قراردادی در تیتر و پاراگراف اول

### ■ تحلیل گفتمان می‌تواند گزارش روشنتر و طبقه‌بندی شده تری از ساختار پیامهای رسانه‌ای ارائه دهد.

### ■ از آنجا که تحلیل گفتمان یک امر چند رشته‌ای است توان آن را دارد که ارزیابی ساختاری را به ویژگیهای متعدد گستره اجتماعی و فرهنگی مرتبط سازد.

گزاره‌ها ممکن است از لحاظ کاربردی نیز دارای ارتباط باشند. نمونه این امر وقتی است که دومین گزاره کاربرد یک ویژگی، تفسیر، تناقض، یا مثال مرتبط با گزاره اول را دارا باشد. گزاره‌های مطالب خبری غالباً به کمک رابطه‌ای ویژه به هم مرتبط می‌باشند: گزاره‌های کلی‌تر قبل از گزاره‌های مشخص‌تر که جزئیات بیشتری ارائه می‌دهند، می‌آیند. در جمله بعد می‌بینیم که تلاش غم‌انگیز از چه چیزی متشکل است: چه کسی، در کجا و چگونه، چه کار کرد؟ به همین ترتیب جملات بعدی ممکن است تفسیرهای («تقاضا»، «دادخواست») جملات قبلی را نشان دهند و آنها هنگامی که مفاهیم ارزشی خاصی را می‌رسانند، ممکن است کاربردهایی ایدئولوژیک نیز دربرداشته باشند و این چیزی است که در مورد گزارش «دیلی میل» به خوبی روشن است.

این از خصوصیات قطعی گفتمان است که نه تنها از لحاظ موضعی بلکه از لحاظ عمومی نیز دارای ارتباط است. ورای روابط معنایی

متن بیان می‌شود.

گزارش موردنظر در «دیلی میل» ممکن است به صورت فهرستی از گزاره‌ها ارائه شود که متعاقباً به فهرست کوتاهتری از کلان گزاره‌ها یا عناوین اصلی تبدیل می‌گردند. از طریق کاربردهای مکرر قواعد کلان (قواعد کلان تکرار پذیرند) فهرستی از عناوین اصلی به شرح زیر به دست داده می‌شود:

– ویراج مندیس به سرلانکا فرستاده شد.  
– اقدام یک کشیش جهت حصول آزادی وی در زوریخ ناکام ماند.  
– در فرودگاه «گاتویک» گروههای بسیاری به اخراج وی اعتراض کردند  
– مندیس پس از درخواست پناهندگی در یک کلیسای منجستر بازداشت شد.

جهت به دست آوردن این عنوانها (کلان گزاره‌ها)، باز هم به مقادیر معنایی از دانش یا معلومات کلی نیاز داریم: به طور مثال، اخراج مندیس ممکن است مستلیم باشد برنقل و انتقال هوایی و نیز افسران پلیس، و نیز این که

اخراج وی ممکن است به اعتراضاتی منتهی شود که شامل تظاهرکنندگان و - گاهی اوقات - افسران پلیس باشد. گزارده شدن تأکید خاص بر عساوین و بیژره، ممکن است مفاهیمی ایدئولوژیک در برداشته باشد. لذا برخلاف گزارشی که در شماره مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۹ در روزنامه «گاردین» پیرامون همان رویداد به چاپ رسید و در آن بر روی مسأله اخراج و عوارض سیاسی آن تأکید شده بود، روزنامه «دیلی میل» توجه خود را روی مسأله تظاهرات متمرکز ساخته بود.

### ملاحظات:

یکی از قوی‌ترین ایده‌های معنایی در تحلیل انتقادی اخبار، همانا ایده ملاحظات (استنباط) است. پیش از این دیدیم که بخش اعظم اطلاعات گنجانده شده در یک متن، به



صراحت بیان نشده و حالتی ضمنی دارد. واژه‌ها، بندها، و دیگر عبارات متن ممکن است در بردارنده مفاهیم یا گزاره‌هایی باشند که می‌توان از طریق آگاهی یا اطلاعات قبلی بدان پی برد. این ویژگی گفت‌وگو و ارتباطات دارای ابعاد ایدئولوژیک مهمی است. تحلیل «ناگفته‌ها» گاهی اوقات بیش از مطالعه آنچه که عملاً در متن بیان گردیده است، روشن‌گر ماجرا می‌باشد.

گونه‌های مختلفی از استنباط وجود دارد از قبیل التزامها، پیش‌انگاریها، و اشکال ضعیف‌تری چون پیشنهاد و تداعی. در مثال مورد نظر ما و نیز به‌طور کلی در گزارشهای مربوط به اقلیت‌ها و پناهندگان، به‌ویژه در گزارشهای خبری جناح راست پیرامون اقلیتها، به‌کار بردن واژه «غیرقانونی» نه تنها بدین معنی است که مندیس قانون را نقض کرده است بلکه می‌رساند که وی و سایر پناهندگان مجرم هستند (ون دیک، ۱۹۹۱). به همین ترتیب واژه «مارکسیست» نیز دارای مفاهیمی منفی است و باعث می‌شود که مندیس یک پناهنده کم‌اعتبار شناخته شود.

عبارات و جمله‌های مربوط به نحوه برگزاری تظاهرات نیز شک و تردید درباره اعتبار وی را برمی‌انگیزد: «تظاهرکنندگان با کالسکه‌های لوکس و پرتجمل آمدند». از این‌رو، در کل مقاله توصیفهای بسیاری از تظاهرکنندگان و حزب کارگر به عمل آمده است که متضمن یا حاکی از این است که آنها پولی را که مالیات دهندگان می‌پردازند، هدر می‌دهند، و نیز این که اعتراضات آنها جدی نیست «آنها از طریق اعتراض و ابراز مخالفت امرار معاش می‌کنند».

بسیاری از ملاحظات ایدئولوژیک صرفاً بدان جهت به عمل می‌آید که نه تنها اطلاعات صریح چندانی نمی‌دهد بلکه مطالب بسیار غیرمرتبطی نیز درباره نقش آفرینان اخبار مطرح می‌سازد. نمونه مشهور در گزارشهای خبری مربوط به اقلیتها، استفاده از برجسبهای نژادی یا قومی بی‌ربط در گزارشهایی است که درباره جرم و جنایت تهیه می‌شود. این کاربری استراتژیک از عوامل بی‌ربط، در مثال مورد نظر ما هنگامی است که مندیس یک مارکسیست خوانده می‌شود و تظاهرکنندگان با شورشیان، سیاهان، همجنس‌بازان - که وجهه چندان مثبتی نزد اکثر خوانندگان «دیلی میل» ندارند - هم‌دست قلمداد می‌شوند. ذکر کردن یک مسأله بی‌ربط مثل هزینه کالسکه‌های استفاده شده توسط تظاهرکنندگان بیانگر آن است که آنان و «جناح چپ دیوانه» پولهای پرداختی مالیات دهندگان را هدر می‌دهند، و این چیزی است که احتمالاً تأثیر تحریک‌آمیز نیرومندی بر بسیاری از خوانندگان و مالیات‌دهندگان می‌گذارد.

### روساختها: طرحهای اخبار

عنوانها معمولاً طبق یک طرح یا نمونه تجربیدی مرکب، از مقوله‌های متعارفی تشکیل می‌شود که نقش کلی عنوان متن را مشخص می‌سازند. چنین نمونه‌ای، یک روساخت خواننده می‌شود (ون دیک، ۱۹۸۰). درست همانند مقالات یا استدلالها، گزارشهای خبری یک طرح سلسله مراتبی را دنبال می‌کنند که متشکل است از مقولات متعارض چون تیترو، لید یا پاراگراف آغازین (که بر روی هم خلاصه‌ای از ماجرا را بیان می‌دارند). رویدادهای اصلی، متن، تاریخ (که بر روی هم مقوله پس زمینه را تشکیل می‌دهند)، واکنشها و اظهارنظرها، شیوه معمول در تهیه خبر این است که این مقوله‌ها نیز محتوای معنایی کلی

آنها به‌گونه‌ای ناپیوسته، به صورت اجزایی در سرتاسر متن، ذکر می‌گردند: از هر مقوله‌ای، مهمترین اطلاعات اول ارائه می‌شود، و این یک استراتژی از بالا به پایین است که یک ساختار به اصطلاح پیوسته به متن می‌دهد.

اهمیت دهی و ارتباط دهی به متن ممکن است در بردارنده ملاحظات ایدئولوژیک باشد. تیترو پرواز مندیس به خارج و مواجهه پنیس با خشم جماعتی مزدور» دارای دو کلان گزاره است: مندیس (بهاوایما) از کشور اخراج شده است و این که (در همین حال) پلیس با واکنش خشم‌آلود تظاهرکنندگان روبرو شده است. این دو گزاره چکیده اطلاعات عمده موجود در متن را بیان می‌دارد و در نتیجه نشان می‌دهد که از نظر «دیلی میل»، هر دو مسأله مهم هستند. سایر روزنامه‌ها ممکن است صرفاً روی مسأله اخراج وی تأکید نمایند. بند آغازین و جمله‌های متعاقب آن جزئیات بیشتری از این رویداد ارائه می‌دهند. در بخش «رویداد اصلی» (حاوی اطلاعات مربوط به اخراج و تظاهرات) و نیز در بخشهای دیگر از قبیل یک سابقه اجمالی (حضور مندیس در انگلستان به مدت سیزده سال) و یک مضمون کلی (سیاستهای کلیسا در قبال پناهندگان) ارائه می‌شود.

این از ویژگیهای یک روزنامه قطع کوچک دست راستی مثل «دیلی میل» است که توجه چندانی به پس‌زمینه یا سابقه سیاسی یا اجتماعی رویدادها مبذول نمی‌دارد، حال آن که جزئیات نسبتاً بسیاری درباره تظاهرکنندگان و حامیانشان در حزب کارگر ذکر می‌کند. اطلاعات در بخش واکنشهای لفظی محدود می‌شود به افکار و عقاید منفی یک مأمور پلیس درباره «آدمهای پست و شرور». این افکار و عقاید، باافکار و عقاید «دیلی میل» سازگار است. این امر همچنین نشان می‌دهد که گردآوری خبر و نقل قول در اخبار غالباً از طریق گزینش منابع و کاربریهای متون منبع، جنبه‌ای تبعیض‌آمیز پیدا می‌کند. تظاهرکنندگان و مندیس اجازه ندارند حرف بزنند و این چیزی است که در مورد نقش سخنگویان اقلیتها در گزارشهای مربوط به امور قومی، به‌طور کلی معمول است (ون دیک، ۱۹۹۱). سرانجام باید گفت که مقوله اظهارنظر یا تفسیر به صورت توصیفی منفی از تظاهرکنندگان و حامیان آنان در حزب کارگر، به‌گونه‌ای ناپیوسته در سراسر متن مطرح شده است. به عبارت دیگر،

ترکیب روساخت منطبق بر نمونه کلی این گزارش خبری با موضع ایدئولوژیک «دیلی میل» تطابق دارد.

### سبک و شیوه بیان

سبک، عبارت است از تهیه یک متن به کمک یکی از راههای آلترناتیو بیان یک مطلب کم‌ویش مشابه با استفاده از واژه‌های متفاوت یا ساختار معنایی مختلف. این انتخابهای سبک شناختی، ملاحظاتی ایدئولوژیک یا اجتماعی روشنی نیز در پی دارند. زیرا آنها غالباً نشانگر افکار و عقاید گزارشگر درباره نقش آفرینان خبری و رویدادهای خبری و نیز اولویتهای موقعیت یا وضعیت اجتماعی و ارتباطی (استفاده از آنها در یک روزنامه قطع کوچک) و این که گزارشگر به کدام طبقه از طبقات جامعه تعلق دارد، می‌باشند. مثلاً نشان می‌دهند که این گزارشگر

چه کسی او را به هواپیما سوار کرد. نحوه بیان این گزارش، به طوری که پیش از این مشاهده شد، عمدتاً در گراف‌گوییها و مبالغه‌هایی که در توصیف تظاهرکنندگان معمول گردیده و نیز در نوع واژه‌های به کار برده شده که هردو نمایانگر خصوصیات منفی و نامطلوب آنان است، نهفته می‌باشد.

روی هم رفته، در سطوح مختلف تحلیل، تحلیل‌های مربوط به معنی‌شناسی جزئی و کلی، طرحها و نمونه‌های خبری و سبک، الگویی متشکل از ویژگیهای پراکنده و نامرتب می‌بینیم که نشان‌دهنده موضع‌گیری «دیلی میل» در گزارش این رویداد است. علاوه بر آن، ساختار ارتباطی این گزارش به آن جنبه‌های موقعیت بذل توجه می‌کند که از نظر «دیل میل» حائز اهمیت می‌باشند، و در عین حال به ارزیابیها و ارائه اطلاعات مهم درباره سیاستهای دولت

■ تحلیل گفتمان به عنوان یک زمینه مطالعاتی میان رشته‌ای جدید از اواسط دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰ در رشته‌های گوناگون نظیر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی پدیدار شد.

■ کاربرد تحلیل گفتمان در مطالعات رسانه‌ها به اندازه زمینه‌های مطالعات گفتمان و خود وسایل ارتباط جمعی متنوع است.

سفیدپوست، مرد، یا از طبقه متوسط است. لذا، استفاده از واژه‌های «جماعت خشمگین» و یا «جماعت خشمگین اجیرشده» به جای واژه‌های «جمعیت» و «تظاهرکنندگان»، ممکن است به منزله موضع‌گیری ایدئولوژیک یک گزارشگر درباره تظاهرکنندگان چپ‌گرا و در عین حال بی‌اعتبار ساختن آنان نزد خوانندگان روزنامه، تلقی شود. درباره به کار برده شدن واژه‌های «روزه»، «فریاد» و «خشماگین» به جای «اعتراض شدید» نیز همین امر صدق می‌کند. علاوه بر نشان دادن موضع‌گیریهایی منفی و جلب رضایت خوانندگان («هرمن» و «چامسکی»، ۱۹۸۸)، کاربری این قبیل واژه‌ها نشان‌دهنده بُعد فرهنگی زبان اخبار نیز می‌باشد: سبک همیشگی و متداول روزنامه‌های قطع کوچک.

جنبه دیگر سبک، عبارت است از بافت جمله‌ها و آن هنگامی است که به طور مثال، عوامل اقدامات منفی - معمولاً عوامل مقامات - مطرح نمی‌شوند. در عبارت «پرواز مندیس به خارج» در عنوان گزارش، ذکر نشده است که چه کسی وی را به خارج پرواز داد، یا

ناچر، دادگاهها، پلیس، و دیگر مقامات سفید در مورد مسائل مهاجرت و پناهندگی توجیحی مبذول نمی‌دارد.

### شناخت اجتماعی و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی

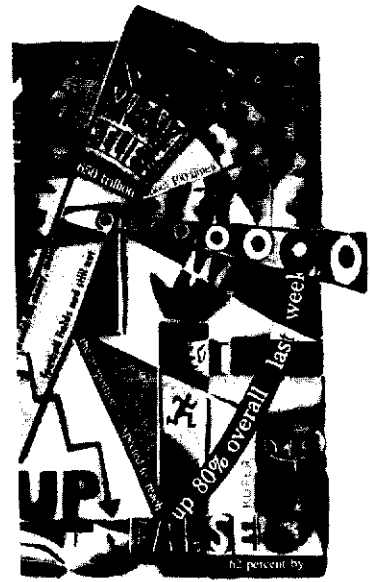
تحلیل گفتمان خبر به ساختارهای متن منحصر نمی‌شود. ما مشاهده کرده‌ایم که این ساختارها بیانگر یا نشانگر مفاهیم، افکار و ایدئولوژیهای عمده و متنوع می‌باشند. به منظور نشان دادن نحوه ارتباط این مفاهیم عمده با متن، به تحلیلی از گستره یا زمینه ادراکسی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیازمندیم. رویکرد شناختی و ادراکی، بر این واقعیت مبتنی است که متنها دارای معنی نیستند بلکه این اهل زبان و یا به عبارت دقیق‌تر، فرایندهای ذهنی اهل زبان است که بدانها معنی و مفهوم می‌بخشد. به عبارت دیگر، ما باید نحوه ارائه شناخت (ادراکی) و استراتژی‌های روزنامه‌نگاران در تهیه گزارش خبری و شناخت و استراتژی‌های خوانندگان در مورد درک و به‌خاطر سپردن آنها را مشخص

نماییم (وندیک، ۱۹۸۸ - الف؛ وندیک و «کینج» ۱۹۸۳).

ذکر چند ایده تئوریک برای تشریح نوع فرایندها و ساختارهای ذهنی به کار گرفته شده در اینجا ضروری است. اول اینکه، در درک متنی، معنای متن به تدریج و به گونه‌ای استراتژیک معلوم می‌شود و به عنوان یک بازنمای متن به حافظه سپرده می‌شود. دوم اینکه، اهل زبان و در نتیجه روزنامه‌نگاران و خوانندگان، دارای یک باز نمود واحد و شخصی از رویدادهای خبری مطرح شده در متن می‌باشند که در گزارش مورد نظر ما، مسأله اخراج و تظاهرات است. این باز نمود معلومات در حافظه یک الگو (حادثه یا وضعیت) خوانده می‌شود. یک الگو، نشانگر چیزی است که خواننده از رویدادی که متن گزارش بدان مربوط است، درک می‌کند، و ما در صورتی یک متن را درک می‌کنیم که بتوانیم الگویی ذهنی از آن رویداد ایجاد نماییم.

این الگو، نه تنها مشخص‌کننده اطلاعاتی است که طی باز نمود متن ابراز شده است بلکه اطلاعات دیگری درباره این رویداد از قبیل جزئیات مربوط به پرواز، اخراج، تظاهرات، حزب کارگر، و احتمالاً همدلیها و ارزیابیهای خوانندگان را نیز شامل می‌باشد. این اطلاعات در متن ذکر نگردیده است زیرا فرض بر این است که خوانندگان آنها را می‌دانند و یا این که گزارشگر آنها را بی‌ربط دانسته است. به طوری که در بالا اشاره شد، برخی از این اطلاعات پیش‌انگاشته، از اصل متن مربوط به اخراجها و تظاهرات گرفته شده است. این قبیل متون از لحاظ فرهنگی مشترک بوده و باز نمودهای دانش و معلومات متعارف مربوط به حوادث زندگی اجتماعی می‌باشند. بدین ترتیب، درحالی که الگوها ممکن است مشخص‌کننده اطلاعات شخصی واحدی باشند، ولی متون جنبه‌ای کلی و اجتماعی دارند.

به همین ترتیب، مردم الگوی ذهنی خاصی نیز از بافت یا زمینه ارتباطی حاضر دارند که به اصطلاح یک الگوی زمینه است که اطلاعات مربوط به اهداف گزارش، اقدامات ارتباطی آن و ویژگیهای مخاطبان را دربردارد. این الگوی زمینه است که نوع اطلاعات مربوط به رویداد را که برای گنجانده شدن در متن گزارش مناسب تشخیص داده خواهد شد، کنترل می‌نماید. به طور مثال، در گزارش پیرامون اقلیتها، چه در مطبوعات و چه



## ■ مطالعه اخبار مطبوعات یکی از وظایف عمده مطالعات تحلیل گفتمان در زمینه رسانه‌ها است.

### ■ تحلیل گفتمان خبر به ساختارهای متن منحصر نمی‌شود.

در محاورات و گفت‌وگوهای روزمره، افراد متعصب معمولاً نه تنها عقاید و نظراتی منفی درباره اقلیتها - بدان سان که در الگوهایشان از رویدادهای قومی نمایانده شده است - ابراز می‌دارند بلکه ضد ادعاهایی مثل «من مخالفتی با سیاهان (ترکها، پناهندگان) ندارم جز این که...» نیز بر زبان می‌رانند. هدف از ابراز این ضد ادعاها، پرهیز از برجای گذاردن یک تأثیر نامطلوب - که مثلاً نگویند «وی نژادپرست است» - می‌باشد. ضد ادعاهای مزبور آبروی گوینده را حفظ می‌نماید (جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره این حرکات استراتژیک در مورد گزارشهای نژادپرستانه، رجوع شود به وندیک، ۱۹۸۷- الف). این الگوی گسترده و زمینه است که این جنبه ارتباطی و تعاملی گزارش را شکل می‌بخشد و گزارش را با ساختارها و موقعیتهای اجتماعی مرتبط می‌سازد.

پس ما دریافته‌ایم که الگوهای حوادث در حافظه، نه تنها دانش و آگاهی، بلکه افکار یا باورهای ارزیابی کننده در مورد رویدادها و شرکت کنندگان در آنها را تشکیل می‌دهند و این چیزی است که در گزارش موردنظرمان در روزنامه «دیلی میل» به وضوح نمایان می‌باشد. اکنون استنباطها و برداشتهای ارزیابی کننده از

متن مورد بحث فوق را می‌توان با مشخص نمودن آنها در توصیفی از الگوهای ذهنی روزنامه‌نگار تشریح کرد.

علت «مغرضانه یا تبعیض آمیز» بودن یک گزارش معمولاً این است که الگوی ذهنی روزنامه‌نگار، ساختارها و افکاری را شکل می‌بخشد که از یک چشم انداز ایدئولوژیک خاص درباره یک رویداد، جانبداری می‌کند. از این‌رو، تحلیلهای انتقادی معنی و مفهوم گزارش، در واقع مشتمل است بر باز آفرینی آزمایشی این باورها در الگوهای عمده گوینده یا نویسنده.

الگوها به همان شیوه‌ای که دانش یا معلومات ویژه‌ای از متون به دست می‌دهند، افکار خاصی را در بردارند که از ساختارهای عقیدتی اجتماعی مشترکی چون رفتارها و موضع‌گیریها نشأت می‌گیرند. پس، به طوری کلی‌تر، می‌توان گفت که الگوها براساس بازنمودهای اجتماعی یا شناختهای اجتماعی - مثلاً - مربوط به مهاجران، پناهندگان، یا تظاهرکنندگان مبتنی است («افسار» و «مسکوپچی»، ۱۹۸۴؛ «فیکس» و «تیلور»، ۱۹۸۴). برخلاف افکار و عقاید خاص، که ممکن است جنبه‌ای فردی و شخصی داشته باشند، این شناختهای اجتماعی ویژگیهای گروههایی چون گروه روزنامه‌نگاران جراید قطع کوچک، یا گروه بزرگتر دست راستی‌های انگلیس به حساب می‌آیند (گوردون و کلوگ، ۱۹۸۶).

اگر شناختهای اجتماعی درباره گروههای اجتماعی متفاوت و رویدادهای اجتماعی شبیه یکدیگر باشند، می‌گوییم که آنها در یک چارچوب تفسیری بنیادین یکسان، یعنی توسط یک ایدئولوژی واحد تنظیم می‌شود. این ایدئولوژی هنجارها و ارزشهای اساسی و اصول دیگری را شکل می‌بخشد که به سوی تحقق منافع و اهداف گروه موردنظر و نیز به جانب بازآفرینی و مشروع ساختن قدرت آن به پیش می‌رود.

از این‌رو، اگر بگوییم که گزارش خبری «دیلی میل» جنبه‌ای ایدئولوژیک دارد، منظورمان این است که ساختارها و مفاهیم عنوان شده در آن، در وهله اول نمایانگر ساختارها و محتوای الگوی ذهنی ویژه این گزارشگر درباره این رویداد خاص است. در وهله بعد، ممکن است بر نمونه‌ها یا طرحهای کلی ادراکی - اجتماعی (تبعیضات) مربوط به

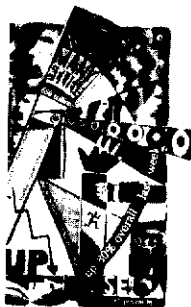
تظاهرکنندگان یا پناهندگان استوار باشد، و این که این نمونه‌ها یا طرحها سرانجام توسط ایدئولوژیهای گروه پایه مشخص کننده، تنظیم می‌گردد. لذا، یک تحلیل ایدئولوژیک مستلزم توصیف پیچیده‌ای، نه فقط از متن، بلکه از استراتژیها و بازنمودهای ادراکی بفرنج به کار گرفته شده در تهیه و ادراک متن نیز می‌باشد.

متأسفانه، در نشانه‌شناسی انتقادی، در زبان‌شناسی و تحلیل گزارش و در تحقیقات مربوط به ارتباطات جمعی، چنین تحلیل ادراکی‌ای غالباً نادیده انگاشته می‌شود و یا صرفاً در یک شرایط بسیار ساختگی و غیراستدلالی، از قبیل «آگاهی و بصیرت» یا «آفرینش معنی» ارائه می‌شود.

مع‌ذالک، دقیقاً از طریق یک گزارش مبسوط از شناختهای اجتماعی است که ما قادر می‌شویم گزارش و گویندگان را با فرهنگ و ساختار اجتماعی ربط دهیم، یعنی از طریق بازنمودهایی که مردم درباره ساختارهای اجتماعی دارند. این شناختهای اجتماعی همچنین به ما امکان می‌دهند تا کلان ساختارهای اقدام پراکنده و ارتباط با گروههای کلان ساختار اجتماعی (روزنامه‌نگاران، تظاهرکنندگان، پناهندگان، اقلیتها) و نهادها (روزنامه‌ها، دولتها، دادگاهها) را به هم ربط دهیم. در یک چارچوب تئوریک که به مراتب پیچیده‌تر از «اثرات» سنتی تحقیق می‌باشد، ما قادریم نحوه تأثیر این گزارش خبری «دیلی میل» بر مشروع سازی و بازآفرینی نژادپرستی و ایدئولوژیهای ضد مهاجرت در جامعه انگلیس را توصیف و تشریح نماییم.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که الگوها و شناختهای اجتماعی، حداقل متن و گستره حاکم هستند. این نشان می‌دهد که چگونه و در چه جاهایی روزنامه‌نگاران مرد سفیدپوست معرّف عضویت در گروه و طبقه خاص خود بوده‌اند، و همین باز نمود کلی گروههای داخلی و گروههای خارجی است که به طور استراتژیک در شکل بندی الگوهای مربوط به یک رویداد خبری خاص مؤثر می‌باشد، الگوهایی که به نوبه خود بر شیوه‌های گردآوری اخبار، تفسیر منابع و متون منبع توسط گزارشگر، و نیز راههایی که طی آن، رویداد خبری موردنظر در گزارش خبری توصیف شده است، تأثیر می‌گذارد.

# متن گزارش روزنامه «دیلی میل» مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۹



شده بود. این مبلغ از سوی شورای وابسته به حزب کارگر شهر منچستر تأمین گردیده بود. جان کرشوا، رییس گروه محافظه کاران شورای مزبور، شب گذشته اظهار داشت این پول که جهت مصارف بسیار ضروری نگهداری می شد، بدون هیچ مجوزی صرف نقل و انتقال تظاهرکنندگان شده است.

در پنتون ویل، در میان جماعت خشمگین و اجیر شده تظاهرکنندگانی که در پشت دیوار زندان تجمع کرده بودند، اعضای گروه کمونیستهای انقلابی، گروه زنان سیاهپوست طرفدار پرداخت دستمزد بابت کارهای خانه، انجمن طرفداران برابری همجنس بازان نورث وست، و مرکز زنان کینگزکراس، حضور داشتند. شب گذشته، پس از یک گردهمایی طرفداران مندیس در منچستر، که طی آن «آنتونی وج وودین» از نمایندگان حزب کارگر در مجلس، سخنرانی کرد، تظاهرکنندگان بطریقهایی به طرف کامیونهای حامل مأموران پلیس پرتاب نمودند. پنج هزار نفر در سطح شهر به حرکت در آمدند و اعلام می داشتند که از مارگات تاجر و وزیر امور داخله انتقام خواهند گرفت. آنان همچنین به شعارهای ضد پلیس پخش شده از بلندگوهای یک کامیون که از طرف بخش پاکسازی شورای مزبور تدارک دیده شده بود، پاسخ می دادند.

در میان این راه پیمایان طرفداران گروه همستگی فلسطین، دانشجویان دانشگاه منچستر و اتحادیه های کارگری دیده می شدند. یک افسر ارشد پلیس که گروههای اعتراض کننده جناح چپ را زیر نظر دارد گفت: «تظاهرکنندگان همان کسانی هستند که در همه تظاهرات شرکت می جویند. ما آنان را اراذل و اوباش می دانیم زیرا جملگی لباسهایی کثیف و ناجور بترن دارند. آنان از راه اعتراض و شکایت، امرار معاش می نمایند.»

مندیس که مدت سیزده سال به طور غیرقانونی در انگلستان به سر برده بود، روز چهارشنبه در کلیسای Ascension in Hulme که به ادعای خودش از دو سال پیش در آن تحصن گزیده بود، توسط پلیس دستگیر شد. وزیر امور داخله بعداً به مسئولان کلیسا هشدار داد که در مورد پناه دادن به افراد متخطی از قانون با احتیاط عمل نمایند. روز گذشته اسقف کانتربری به روحانیون گوشزد کرد که تحصن ۲۵۰ سال پیش لغو شده و آنان باید مطابق قانون عمل نمایند. □

این دادخواست از طرف معاون کلیسای منچستر، که مندیس در آن تحصن گزیده بود، صادر شده بود. دو مأمور پلیس انگلیس که در دوطرف وی نشسته بودند، مجدداً به وی دستبند زدند و حاضر نبودند تصمیم خود را تغییر دهند. لذا از پلیس سوئیس خواسته شد وارد عمل بشود. پس از یک جروبحث شدید در باند فرودگاه، چنین می نمود که پلیس سوئیس حاضر است وی را رها کند، اما با مداخله افسر مافوق آنان، هواپیما به مقصد کلمبو به پرواز درآمد.

مندیس مارکسیست ۳۲ ساله و از طرفداران تأمل اظهار داشت: «به طور قطع در سریلانکا مرا به زندان خواهند افکند. مثل این است که داگلاس هرد، وزیر داخله (انگلیس) شخصاً تپانجه ای پشت گردنم گذارده و ماشه اش را می کشد.»

او در میان فریادهای اعتراض آمیز «افرادی پست و شریر»، فرودگاه گاتویک را ترک کرد. در این فرودگاه، چپ گرایان در اعتراض به دولت تظاهراتی برپا نموده و مسافران در میان ازدحام آنان گیر کرده بودند. چهار زن و یک مرد به طرف بانندی که هواپیمای خطوط «ارلانکا» در آن منتظر مندیس بود هجوم بردند. مأموران امنیتی و پلیس و یکی از خدمه هواپیما برای متوقف ساختن آنان یورش برده و آنان را بازداشت کردند.

هنگامی که هواپیما انگلستان را ترک کرد، سفارت آلمان اعلام داشت که ایالت «برمن» ممکن است مندیس را بپذیرد و مذاکراتی نیز با دولت فدرال در دست انجام است.

سه قطار لوکس و تجملاتی راه آهن بسیاری از تظاهرکنندگان را به زندان پنتون ویل - محل نگهداری مندیس - و از آنجا به گاتویک انتقال دادند. مبلغ ۱۷۰۰ پوند از پولی که مالیات دهندگان پرداخت می کنند، برای این کار هزینه

مندیس به خارج پرواز می کند و پلیس با جمعیت اجیر شده خشمگین مواجه می شود

ویراج مندیس، مهاجر غیرقانونی، شب گذشته پس از یک پیشنهاد غم انگیز درباره آزادسازی وی در فرودگاه زوریخ، با هواپیما به میهنش - سریلانکا - فرستاده شد.

در حالی که هواپیمای حامل وی آماده پرواز به مقصد سریلانکا بود، یکی از حامیان مندیس که وی را همراهی می کرد، خواستار آزادی وی گردید.

## APPENDIX

### CLASHES ON STREETS AND AT AIRPORTS AS REBEL IS DEPORTED

## Mendis flown out as police face "rentamob" fury

By BOB GRAHAM and DANNY BUCKLAND

ILLEGAL immigrant Viraj Mendis was flying home to Sri Lanka last night after a final dramatic bid for his release at Zurich Airport.

As his plane touched down en route to Sri Lanka, a supporter accompanying him demanded that Mendis be allowed off.

The plea came from the curse of the Manchester March where Mendis claimed sanctuary. The two British policemen sitting either side of Mendis re-handcuffed him and re'used to budge and Swiss police were called in. After a bitter argument on the tarmac, it appeared the Swiss were about to agree to let him go, but their senior officer intervened and the plane took off for Colombo.

Mendis, a 32-year-old Marxist and Tamil supporter, said: "I'm going home to almost certain death." It was said Home Secretary Douglas Hurd was "holding a pistol to my head himself and pulling the trigger," he said.

He had left Gatwick amid screaming protests from the "great unwashed". Fansingers were jailed at Leff-wingers surged into viewing areas, howling their hatred of the Government. Four women and a man rushed barriers leading to the tarmac where his Air Lanka plane flight waited. Police, security staff and an airline crew dashed to stop them, scuffles broke out, and the five were arrested.

### Dirty

As the plane left Britain the West German Embassy said the state of Bremen might accept him and discussions were taking place with the federal government. Three luxury coaches had taken many of the demonstrators to Pentonville Prison,

where Mendis had been held, then on to Gatwick. They were paid for with £1,700 of taxpayers' money, allocated by leaders of Manchester's Labour-run city council.

The council's Tory group leader, John Kerbas, protested last night that the money, meant for genuine cases of hardship, had been spent without any committee authorisation.

At Pentonville, the "rentamob" protesters who had gathered outside the walls included the Revolutionary Communist Group, the Black Women for Wages for Housework group, the North West Campaign for Lesbian and Gay Equality and the King's Cross Women's Centre. Last night, bottles were thrown at police vans after a rally in support of Mendis in Manchester, at which Labour MP Anthony Wedgwood Benn spoke. Five hundred demonstrators marched through the city waving vengeance against Margaret Thatcher and the Home Secretary, and responding to anti-police slogans shouted through loudspeakers from a truck supplied by the council cleaning department.

The column included the Palestine Solidarity Campaign, Manchester University students and trade unions.

One senior police officer who monitors Left-wing protest groups said: "The same faces reappear all the time at demos. We know them as the great unwashed, because they all seem to wear the same dirty mode of dress. They make a living out of complaining."

Mendis, who spent 13 years illegally in Britain, was seized by police on Wednesday from the Church of Ascension in Hulme, where he had claimed sanctuary for more than two years. The Home Secretary later warned churchmen to be cautious about sheltering people defying the law and yesterday the Archbishop of Canterbury reminded clergy that sanctuary was abolished 350 years ago and told them that they must obey the law.